

Examining the Application of Arbitration in International Commercial Disputes (A Case Study of Iran with Other Countries and Foreign Companies)

Dorna Hakim Elahi¹, Hossein Mehrpour², Hasan Moradi³

¹ *PhD. Student, Department of Private Law, United Arab Emirates Branch, Islamic Azad University, United Arab Emirates. Dornahakimelahi@gmail.com*

² *Professor, Department of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding author). Z.rouzbahani@yahoo.com*

³ *Assistant Professor, Department of Law, University of Tehran, Tehran, Iran. Moradilaw@yahoo.com*

Abstract

The purpose of this study is to examine the application of arbitration in resolving international commercial disputes involving Iran and other countries or foreign companies. The research method is descriptive-analytical, and the findings reveal that speed, expertise, and cost-effectiveness are among the advantages of arbitration over litigation in resolving disputes. Moreover, the inclusion of an arbitration clause in international commercial contracts between the Islamic Republic of Iran and other countries has political implications, such as increasing investment and encouraging international investors to invest in Iran. Additionally, it will enhance Iran's credibility among countries in the international system and foster greater trust in the country. Ultimately, the inclusion of an arbitration clause in Iran's international commercial contracts will help reduce tensions and disputes between Iran and other countries.

Keywords: International Arbitration, Islamic Republic of Iran, International Trade, International Law.

Received: 2023-09-15 ; Received in revised form: 2023-11-08 ; Accepted: 2023-12-04 ; Published online: 2024-03-24
<https://doi.org/10.22034/SM.2023.1987245.2007>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



بررسی کاربست ارجاع به داوری در اختلافات تجاری بین‌المللی (نمونه موردی ایران با سایر کشورها و شرکت‌های خارجی)

درنا حکیم الهی^۱، حسین مهرپور^۲، حسن مرادی^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد امارات متحده عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، امارات متحده عربی.
Dornahakimelahehi@gmail.com

^۲ استاد، گروه حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). Z.rouzbahani@yahoo.com

^۳ استادیار، گروه حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران. Moradilaw@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی کاربست ارجاع به داوری در اختلافات تجاری بین‌المللی ایران با سایر کشورها و شرکت‌های خارجی است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نشان داده شد که سرعت، تخصص و نیز هزینه مناسب‌تر از جمله مزایای توافق به داوری در مقابل رجوع به محاکم برای حل و فصل اختلافات می‌باشد. از طرفی، ایجاد شرط داوری در قراردادهای تجاری بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها، دارای پیامدهای سیاسی مانند افزایش سرمایه‌گذاری و ترغیب سرمایه‌گذاران بین‌المللی برای سرمایه‌گذاری در ایران خواهد شد و از سوی دیگر، اعتبار جمهوری اسلامی ایران در بین کشورهای نظام بین‌الملل ارتقاء پیدا خواهد کرد و منجر به ایجاد اعتماد بیشتر به ایران خواهد شد. در نهایت، شرط داوری در قراردادهای تجاری بین‌المللی ایران منجر به تنش‌زدایی در اختلافات و منازعات بین ایران و سایر کشورها خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: داوری بین‌المللی، جمهوری اسلامی ایران، تجارت بین‌المللی، حقوق بین‌الملل.

استناد به این مقاله: حکیم الهی، درنا؛ مهرپور، حسین؛ مرادی، حسن (۱۴۰۳). بررسی کاربست ارجاع به داوری در اختلافات تجاری بین‌المللی (نمونه موردی ایران با سایر کشورها و شرکت‌های خارجی). *سیاست متعالیه*، ۱۲(۱): ۲۸۱-۲۹۸.

<https://doi.org/10.22034/SM.2023.1987245.2007>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۸/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۳؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۵

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

داوری به عنوان یک روش تاثیرگذار در حل و فصل اختلافات داخلی و بین‌المللی، همواره مورد استقبال افراد حقیقی و حقوقی و حتی کشورها قرار گرفته است و با توجه به حذف اصالت تشریفات، سرعت، صرفه‌جویی در هزینه و خصوصاً اعتمادی که طرفین به قاضی منتخب دارند، باعث شده داوری جایگاه ویژه‌ای در کنار سیستم قضایی کشورها برای خود ایجاد کند و نتایج چشمگیری که از این شیوه بدست آمده است، منجر به تمایل دولت‌ها در انتخاب آن و جایگزینی به جای سیستم متداول قضایی کشورها شده است. داوری، نهادی قراردادی است که بر این اساس تعیین می‌کند چه کسی می‌تواند در دیوان داوری خواهان یا خواننده قرار گیرد. از طرفی اصل تناظر^۱، غیر از دادگاه‌ها در داوری نیز قابل مشاهده است. این موضوع به تسریع منصفانه در روند رسیدگی به دعاوی کمک شایانی می‌کند. در واقع رأی داور، تصمیمی است که مرجع داوری اتخاذ می‌کند و در آن موضوعات مطروحه به طور قطعی حل و فصل می‌شوند. بنابراین، نتیجه تصمیم داور به صورت حکم داوری، انشاء و صادر می‌گردد. به بیان دیگر، رأی قطعی داور معلول و محصول نهایی رسیدگی داوری است. رأی داوری، به استثنای اینکه مورد اعتراض قرار گیرد، قابل اجرا است. به عبارت دیگر، در آرای داوری، اصل بر اجرا بوده و عدم اجرا امری استثنایی تلقی می‌گردد. دادگاه‌ها با بررسی اعتراض محکوم‌علیه، در صورت تشخیص صحت ادعای معترض، رأی داوری را ابطال خواهند نمود.

در این بین قراردادهای بین‌المللی منشاء اختلافات و منازعات بین‌المللی است. علاوه بر قراردادهای ساده خرید و فروش، هر یک از قراردادهای سطح بین‌الملل اعم از قراردادهای ساختمانی، مالی، بانکی، سرمایه‌گذاری‌ها، انتقال تکنولوژی، طرح‌های کلان عمرانی و نظایر آن، مسائل حقوقی و موضوعات پیچیده‌ای دارند و حل و فصل آنها نیز به نوبه خود پیچیده و متنوع خواهد بود؛ حل و فصل اینچنین قراردادهای کلان بین‌الملل نیازمند افراد ماهر و متخصص در مسائل قراردادهای بین‌المللی است که البته باید با نوع فعالیت موضوع قراردادهای نیز شناخت کافی داشته باشند. علی‌الاصول ارجاع اینگونه قراردادها به محاکم داخلی کار درستی نیست، چون قضات دادگاه‌های داخلی به جز موارد خاص، در این زمینه تخصص لازم را ندارند.

۱. اصل تناظر یکی از اصول شناخته شده در دادرسی منصفانه است. درحقیقت این اصل بر مبنای فرصت هریک از اصحاب دعوی در جهت دفاع از خود و امکان ارائه ادله، ادعاها و ارائه مدارک مستدل در این خصوص می‌باشد. این اصل به طور صریح، در هیچ یک از مواد قانونی آیین دادرسی مدنی پیش‌بینی نشده است.

۲. مفهوم داوری

داوری یکی از موارد مهم در حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی است. در این ارتباط مسئله داوری یکی از ارکان اساسی و اصلی در زمینه حقوق تجارت بین‌الملل می‌باشد. در لغت «داوری» معنای متعددی دارد که شایع‌ترین آن قاضی است. از معانی دیگر داور می‌توان به دادرس، حاکم، حکم، گشاینده، فتاح، میانجی، حاکم عادل در مقابل حاکم ستمکار و صاحب حکومت اشاره کرد؛ همچنین داور یکی از نام‌های خداوند است و مجازات بر پادشاه نیز اطلاق می‌شود. علاوه بر معانی فوق می‌توان به دوا و درمان نیز اشاره کرد. کلمه داور در اصل دادور بوده، به معنی صاحب داد. پس، به جهت تخفیف، «دال» ثانی را حذف کرده‌اند (راستاد، ۱۳۸۷: ص ۲۰). در فرهنگ لغت دهخدا آمده است: «این کلمه در اصل دادور بود، همچون نامور، هنرور و سخنور، یک دال آن را حذف کرده‌اند و معنای آن اجرای حکمی است که خداوند عالم در روز جزا بر مردمان خواهد فرمود» (دهخدا، ۱۳۷۹: ص ۸۲۳). در اصطلاح برای داوری^۱ تعاریف متعددی را مطرح کرده‌اند، از جمله، گروهی داوری را به معنای ارجاع حل اختلافات به شخص یا اشخاصی از جانب دو طرف دعوا و تعهد به پذیرش و پیروی از احکام داور یا داوران تعریف می‌کنند. کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز داوری را راه و روش حل و فصل اختلافات و منازعات بین دول از طریق حکم الزام‌آوری که براساس قانون است و توسط طرفین داوطلبانه پذیرفته می‌شود، تعریف می‌کند. در یک تعریف دیگر آمده است: «داوری صرف نظر کردن افراد از مداخله مراجع رسمی در قطع و فصل دعاوی مربوط به حقوق خصوصی خودشان و تسلیم شدن به حکومت خصوصی افرادی دانسته شده است که از نظر معلومات و یا اطلاعات فنی یا شهرت، به رستگاری و امانت، مورد اعتماد مخصوص آنان هستند» (متین دفتری، ۱۳۸۸: ص ۱۰۶).

برخی دیگر داوری را رفع اختلاف از طریق حکمیت اشخاصی دانسته‌اند که اصحاب دعوا به تراضی انتخاب کرده و یا مراجع قضایی به قید قرعه برگزیده‌اند (صدرزاده افشار، ۱۳۸۵: ص ۷۰). پروفیسور «رنه داوید»^۲ در تعریف داوری بیان می‌دارد که: «داوری عبارت است از شیوه‌ای که با استفاده از آن دو یا چند شخص حل مسئله‌ای را که در آن ذینفع هستند، به یک یا چند شخص دیگر (داور یا داوران) می‌سپارند که اختیارشان ناشی از یک قرارداد خصوصی است و براساس این قرارداد تصمیم‌گیری می‌کنند، بدون آنکه برای انجام این وظیفه از سوی دولت به آن‌ها تفویض اختیار شده باشد» (اسکینی، ۱۳۶۸: ص ۸۴).

از زمان شکل‌گیری تاریخ مکتوب، داوری به شکلی به عنوان سازوکاری جهت حل و فصل اختلاف وجود

1. Arbitration
2. Rene David

داشته است. به عنوان یک سازوکار خصوصی، طرف‌های تجاری، با پیشرفت و موفقیت روزافزون، شکل و ساختار آن را طراحی کرده و تغییر داده‌اند. قوانین ملی نیز به طرق مختلف درصدد کنترل، سازماندهی، اداره و حمایت یا حتی دخالت در این فرایند برآمده‌اند (دی. ام. لیو، جولیان، ۱۳۸۸: ص ۱۶۵). بنابراین، داوری روشی برای حل اختلاف است که در آن طرفین به جای رجوع به نهاد قضائی، اختلاف خود را به یک یا چند داور مورد اعتماد ارجاع می‌دهند. آن‌ها می‌توانند داوران را خود تعیین کرده یا تعیین آن را به شخص دیگری یا به دادگاه بسپارند. رجوع به داوری ممکن است در هنگام تنظیم قرارداد (به صورت شرط داوری) پیش‌بینی شود، یا پس از پیدایش اختلاف، تصمیم به استفاده از آن گرفته شود.

ریشه داوری را باید در خلاء دادگستری دولتی جستجو نمود. بنابراین، در آن دوران داوری به عنوان تنها طریق حل و فصل اختلافات قابل درک بوده است، در عین حال علی‌رغم تأسیس مراجع قضائوتی دولتی و در حالی که مراجعه به آن‌ها از طریق عادی رفع اختلاف گردید، داوری بیشتر به این جهت به حیات خود ادامه داد که طرفین اختلاف مایل بودند منازعه آن‌ها با تشریفات و هزینه کمتر و با سرعت بیشتر توسط اشخاصی که در انتخاب آن‌ها دخالت داشته‌اند، حل گردد. تمایل مزبور و لزوم احترام به آن موجب گردید که در نظام‌های معتبر داوری، مقررات داوری به صورت کم و بیش دقیق تدوین گردد (شمس، ۱۳۸۷: ص ۵۰۳).

۳. داوری به‌مثابه یک NGO

داوری با توجه به رسالتی که برای آن تعریف شده، باید همواره بی‌طرف و غیردولتی باشد، تا ضمن حفظ استقلال، اعتبار و شخصیت حقوقی غیروابسته خود، زمینه‌ساز مراجعات داوری بین‌المللی باشد. بدین ترتیب داوری، یک سازمان مردم‌نهاد و یا به تعبیری به‌مثابه یک NGO بوده که به دنبال حل اختلافات در سطوح مختلف بین‌المللی است که در آن طرفین اختلاف به جای مراجعه به نهاد قضائی، اختلاف خود را به یک داور مورد اعتماد خود ارجاع می‌دهند. مهم‌ترین مراکز داوری بین‌المللی که به‌مثابه یک NGO فعالیت می‌کنند، عبارتند از: مرکز داوری و میانجی‌گری بلژیک،^۱ مرکز داوری تجاری بین‌المللی بریتیش کلمبیا،^۲ موسسه داوری آلمان،^۳ انجمن داوری بین‌المللی، دادگاه داوری بین‌المللی لندن،^۴ موسسه داوری هلند،^۵ دیوان دائمی

1. CEPANI
2. BCICAC
3. DIS
4. LCIA
5. NAI

داوری،^۱ اتاق بازرگانی استکهلم،^۲ مرکز داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی،^۳ انجمن داوری آمریکا،^۴ مرکز داوری تجاری بین‌المللی بریتیش کلمبیا،^۵ دادگاه داوری بین‌المللی لندن،^۶ موسسه داوری هلند،^۷ دیوان دائمی داوری،^۸ دیوان عمومی (مشترک) دادگستری و داوری، مرکز بین‌المللی حل اختلافات سرمایه‌گذاری، موسسه اتاق داوری سوییس، کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد، دادگاه داوری تجاری بین‌المللی^۹ که براساس منابع اتاق بازرگانی بین‌المللی،^{۱۰} آنسیترال^{۱۱} رأی صادر می‌کنند و از آنجا که اختلافات و منازعات در سطح بین‌المللی معمولاً بین مؤسسات و شرکت‌های بزرگ چند ملیتی و بین‌المللی می‌باشد و متضمن منافع و مبالغ هنگفتی است و طرفین اختلاف تمایل دارند که دعوا توسط افراد متخصص و اهل فن و مورد اعتماد حل و فصل شود، در پروسه رسیدگی به دعاوی بین‌المللی، طرفین هیچ دخالتی ندارند. تنها روش و اسلوب داوری است که این امکان را فراهم می‌کند که دعوا توسط داور یا داوران اهل فن یا به عبارتی قاضی صاحب‌نظر که به موضوع فعالیت قراردادها آشنایی دارد و علاوه بر تخصص، تجربه و اطلاعات کافی دارد، ارجاع شود و طرفین دعوا با خیال راحت رأی و نظر او را می‌پذیرند و اجرا می‌کنند (محبی، ۱۳۷۸: ص ۵۷).

۴. داوری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران

با توجه به اینکه داوری به نحو فزاینده‌ای مورد استقبال کشورها خصوصاً در زمینه تجارت بین‌المللی قرار گرفته است، غفلت از این موضوع می‌تواند تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری خارجی در کشور داشته باشد. همین تفکر باعث گردید، در سال ۱۳۷۶ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران به تصویب برسد و متعاقباً ایران در سال ۱۳۸۰ به کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ م پیوندد. البته قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون نیویورک، همراه با ملاحظاتی بوده که در ذیل به دو مورد از آنها اشاره می‌شود:

1. PCA
2. SCC
3. ICC
4. AAA
5. BCICAC
6. LCIA
7. NAI
8. PCA
9. ICAC
10. International Chamber of Commerce
11. UNCITRAL

الف) جمهوری اسلامی ایران کنوانسیون را منحصراً در مورد اختلافات ناشی از روابط حقوقی قراردادی یا غیرقراردادی که حسب قوانین جمهوری اسلامی ایران تجاری محسوب می‌شوند، اعمال خواهد کرد.

ب) جمهوری اسلامی ایران فقط کنوانسیون را براساس رابطه متقابل، اعمال و احکامی را شناسایی و اجرا خواهد کرد که در قلمرو یکی از دولت‌های عضو کنوانسیون صادر شده باشد.

لازم به ذکر است که رعایت اصل ۱۳۹ قانون اساسی در خصوص ارجاع به داوری الزامی است. براساس اصل ۱۳۹، صلح دعوی راجع به اموال عمومی و دولتی، یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی، باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند. بدین ترتیب کاربرد شرط داوری در منازعات و اختلافات بین جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها و همچنین شرکت‌های خارجی سرمایه‌گذار در ایران می‌تواند زمینه‌ساز گسترش و افزایش سرمایه‌گذاری و ارتباطات بین‌المللی در جمهوری اسلامی ایران را فراهم کند. هرچند اقدام الحاق به کنوانسیون نیویورک امری شایسته و در راستای تسهیل موانع قانونی جهت جذب سرمایه‌گذار خارجی در کشور ایران می‌باشد، اما بدون بررسی این قوانین و شناسایی نقاط قوت و ضعف آنان، عملاً قوانین مذکور در دستیابی به اهداف خود ناتوان می‌باشند. یکی از چالش‌هایی که نظام حقوقی ایران در زمینه داوری بین‌المللی با آن مواجه است، ابطال رأی داوری و عدم شناسایی آرای داوری بین‌المللی است. بنابراین، پرداختن به این مرحله و بررسی اصول دادرسی منصفانه همچون اصل تناظر در این مرحله امری لازم و ضروری قلمداد می‌گردد.

۵. تحقق داوری در حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی

به دلیل ناکارآمد بودن ارجاع اختلاف به دادگاه‌های دولتی، تجار تمایل دارند اختلافات بین‌المللی خود را از طریق داوری حل و فصل نمایند (جنیدی، ۱۳۸۰: ص ۱۲۷). امروزه توافق فعالان اقتصادی در عرصه‌های بین‌المللی مبنی بر ارجاع اختلافات خود به داوری به جای دادرسی قضایی امری عادی تلقی می‌شود و مقاومت در برابر آن رفتاری خلاف متعارف ارزیابی می‌گردد که باعث افزایش هزینه‌های معاملات می‌شود. هرچند بهتر است این واقعیت نیز مورد توجه قرار گیرد که هر شخصیت حقوقی و یا حقیقی در داوری مبالغ زیادی صرف حل و فصل اختلافات خود از این طریق می‌نمایند؛ بدین معنا که هم‌اکنون هم مراجعه به دادگاه و هم ارجاع اختلافات به داوری به جهت مدت زمان رسیدگی به دعاوی و هزینه‌های آن در قراردادهای بین‌المللی مورد انعقاد است و اصل سرعت و کارایی اقتصادی که مقتضی روابط تجارت بین‌الملل است، دیگر به صورت کامل با روش داوری محقق نمی‌شود. همچنین در طول مدت رسیدگی (چه از طریق دادگاه و

چه داوری)، روابط طرفین که عموماً سرمایه‌گذاری بالایی در خصوص آن صورت گرفته و طولانی مدت هستند، در خطر نابودی قرار می‌گیرند (جوادی‌پور، ۱۳۸۸: ص ۹۹).

با گسترش تجارت جهانی نیز نیاز به ایجاد سازوکاری برای شناسایی و اجرای بین‌المللی موافقتنامه‌ها و نیز احکام داوری مرتبط با قراردادهای تجاری بین‌المللی اهمیتی فوق‌العاده یافت. در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، توسعه رویه نوین داوری بین‌المللی آغاز شد. این روند همراه با ایجاد بسترهای حقوقی مانند تصویب معاهدات و کنوانسیون‌های دوجانبه و چندجانبه بین کشورها، تهیه مقررات داوری تجاری بین‌المللی، راه‌اندازی سازمان‌های داوری بین‌المللی از جمله عوامل گسترش و رونق داوری بود.

توسعه داوری در حل و فصل دعاوی تجاری بین‌المللی با وجود داوری داخلی که خود قدمت زیادی دارد، سابقه چندانی ندارد. لذا، در تعداد محدودی از داوری‌های بین‌المللی که در گذشته وجود داشته است، از همان قواعد و روش‌هایی که برای برگزاری داور داخلی سنتی به کار می‌رفت، عموماً برای این داوری‌ها نیز استفاده می‌شده یا به تدایمی که داوران خود می‌اندیشیدند، عمل می‌گردیده، وضعیتی که در هر حال نمی‌توانست مناسب باشد (نیکبخت، ۱۳۸۸: ص ۱۶-۱۷).

جامعه تجاری بین‌المللی در سال ۱۹۱۹ میلادی اتاق بازرگانی بین‌المللی را تأسیس نمود. این نهاد همواره مرجع طرح دیدگاه‌های جامعه تجاری بین‌المللی بوده است. این اتاق در سال ۱۹۲۳ میلادی دادگاه داوری بین‌المللی خود را ایجاد نمود تا چارچوبی برای یک نظام مستقل و بی‌طرف داوری برای رسیدگی به اختلافات تجاری میان طرف‌های متعلق به کشورهای مختلف پدید آورد. از اوایل دهه ۱۹۲۰ میلادی اتاق بازرگانی بین‌المللی عامل محرک در ترویج و بسط توسعه داوری به عنوان سازوکار حل اختلافات بین‌المللی و نیز لزوم تنظیم مقررات بین‌المللی برای پابرجا داشتن و حمایت از فرآیند داوری بوده است (لیو، ۱۳۹۱: ص ۲۹).

از جمله اقدامات اتاق بازرگانی بین‌المللی در جهت تحول نظام داوری بین‌المللی، تلاش در جهت ترویج و تصویب پروتکل ۱۹۲۳ ژنو در مورد شرط داوری و کنوانسیون ۱۹۲۷ ژنو در مورد اجرای احکام خارجی و کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک در مورد شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی ۱۹۵۸ بود (نیکبخت، ۱۳۸۸: ص ۱۸).

داوری در تجارت بین‌المللی در دهه‌های اخیر جایگاه خاصی یافته است و تجار و دست‌اندرکاران امر تجارت بین‌الملل آن را روش خوب و نسبتاً مطمئنی برای حل و فصل اختلافات تجاری خود یافته‌اند. از این‌رو امروزه شرط حل و فصل اختلافات در عموم قراردادهای تجاری یک شرط نسبتاً اصلی و ثابت است. دلایل رشد و توسعه داوری به منظور حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی را می‌توان در مزایایی که این

روش نسبت به سایر روش‌های حل و فصل اختلافات حقوقی دارد، جستجو نمود (زارع، ۱۳۹۴: ص ۴۷).

۵-۱. تحقق شرط داوری در داوری بین‌المللی

اصل سرعت و امنیت در رسیدگی به دعاوی تجاری اقتضای آن را دارد که دعاوی مربوط به امور تجاری در تشکیلاتی غیر از دادگستری که مستلزم صرف وقت و هزینه بسیار است، صورت گیرد. از این‌رو نهاد داوری به عنوان یک نهاد غیرقضایی و مستقل که می‌تواند روند رسیدگی به اختلافات تجاری به خصوص در امر بین‌المللی را تسریع نماید، ایجاد شده است. علاقه به استفاده از داوری تجاری بین‌المللی باعث تأسیس اتاق بازرگانی بین‌المللی در پاریس شد و همین موضوع زمینه نوشته شدن یک کنوانسیون بین‌المللی داوری را برای عبور از موانعی چون غیرقابل اجرا بودن شرط داوری و رأی صادره را به وجود آورد. نتیجه آن کنوانسیون ژنو ۱۹۲۷ در مورد شرط داوری بود که خیلی زود جایگزین قوانین داخلی کشورها گردید (پیرزاده، ۱۳۸۷: ص ۹۰).

این کنوانسیون که اکنون فقط جنبه تاریخی دارد، از اولین اقدامات بین‌المللی در اجرای آرای داوری بود. اجرای مقررات کنوانسیون در عمل مشکلاتی به همراه داشت، از جمله، این کنوانسیون مقرر می‌داشت که رأی داوری باید در کشور محل صدور نهایی شده باشد. به این صورت درخواست‌دهنده اجرای رأی مجبور به ارائه ادله‌ای مبنی بر صدور نهایی و اعتبار رأی داوری بود. باقی بودن اعتبار رأی داوری و عدم اعتراض در کشور محل صدور هم از مقررهای سخت کنوانسیون مذکور بود. برای گذر از این مشکلات در سال ۱۹۵۳ آی.سی.سی. پیشنهاد پیش‌نویس کنوانسیون برای تسهیلات اجرای آرای داوری بین‌المللی داد. دو سال بعد یعنی در سال ۱۹۵۵م شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل دست به تهیه پیش‌نویسی در همین زمینه زد. این شورا (ایکوساک) به دلیل وابستگی که به سازمان ملل متحد داشت، سعی در تهیه پیش‌نویس متنی کرد که پیش از آن نظریات کشورها و سازمان‌های مختلف ملی و بین‌المللی را در خصوص اجرای آرای داوری جویا شده و با جمع‌آوری نظریات متعدد، کنفرانسی را در مقر سازمان ملل متحد (نیویورک) برگزار کرد. به این صورت در تاریخ ۱۰ ژوئن ۱۹۵۸ میلادی متن این پیش‌نویس مورد پذیرش قرار گرفت و «کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی» مشتمل بر ۱۶ ماده، تصویب شد. برای اینکه رأی داوری براساس این کنوانسیون شناسایی و اجرا شود، باید وصف «خارجی» داشته باشد. ماده یک این کنوانسیون رأی را خارجی می‌داند که یا در کشوری غیر از کشور اجراکننده صادر شده باشد، یا توسط دادگاه اجراکننده «غیر داخلی» در نظر گرفته شود. بنابراین، کنوانسیون دو معیار سرزمینی و حکمی را برای خارجی

بودن رأی ذکر می‌کند. پذیرش معیارهای مختلف مذکور و نیز در نظر گرفتن شرایط عادلانه توزیع بار اثبات و آسان ساختن شرایط اجرای رأی در کشورهای غیر محل صدور در این کنوانسیون، موجب محبوبیت آن در میان بیشتر کشورها شد (جواهری، ۱۳۹۷: ص ۲).

یکی از بندهای قرارداد اصلی شرط داوری است که براساس آن طرفین قرارداد تعهد می‌دهند اختلافات و منازعات آینده پیرامون آن قرارداد را به داوری ارجاع دهند. شرط داوری با وجود آنکه ماهیتی مرتبط با عقد است، با عقد تفاوت دارد و از سوی دیگر نمی‌توان آن را ایقاع^۱ به حساب آورد؛ زیرا شرط نوعی عمل حقوقی است که اراده و توافق طرفین در آن دخیل بوده و آثار آن نیز مرتبط با خواست آن اراده است. در حالی که در ایقاع فقط با اراده یک نفر انجام می‌شود. به همین دلیل، شرط در عین حال که احکام ویژه‌ای دارد، از احکام عمومی اعمال حقوق به عنوان یک عمل حقوقی وابسته، تبعیت می‌کند (ره‌پیک، ۱۳۹۵: ص ۲۱).

بنابراین، در کنار عقد اصلی، شرط یا شرط داوری دارای شرایط مخصوص به خود است. به عبارت دیگر، رنگی از استقلال احکام و آثار را دارد و در عین حال در شرایط عقد، دارای آثار حقوق متعددی است (ره‌پیک، ۱۳۹۵: ص ۱۷). در کل می‌توان پذیرفت که شرط در کنار عقد و ایقاع نوع سومی از اعمال حقوقی است که تحقق آن قصد انشاء و رضایت ویژه و مخصوص به خود را نیاز دارد. در عرف، التزام و الزام از شرط متبادر می‌شود، لذا در صورت نبود تعریفی جامع از یک ماهیت حقوقی در قانون و شرع، باید به عرف پناه برد (انصاری، ۱۳۹۲: ص ۱۱۵).

تحقق چنین التزام و الزامی که در عرف وجود دارد، زمانی است که شرط ضمن عقد دیگری آمده باشد. در این صورت این التزامات را به دو شکل می‌توان تصور کرد: در شکل اول مانند شرط اجل ضمن قرارداد بیع است، به این صورت که التزام آن وابسته بوده و فقط در صورتی دارای اثر حقوقی است که همراه یک عقد بیاید و در صورتی که از آن عقد اصلی انتزاع یافت، اثر حقوقی بر آن مترتب نخواهد بود. این شروط به شروط وابسته معروف هستند (ره‌پیک، ۱۳۹۵: ص ۲۲). شکل دوم آن مانند شرط وکالت ضمن عقد بیع است؛ به این صورت که حتی در صورت انتزاع از عقد، التزامی که ضمن عقد بوده است، به عنوان موضوع تعهدی مستقل به قوت خود باقی است. به عبارت دیگر، یک عمل حقوقی مستقل در این نوع شرط، ضمن یک عقد شرط می‌شود. نکته قابل تأمل اینکه در تدوین احکام قانون مدنی در خصوص شروط ضمن عقد، شکل اول یعنی

۱. تفاوت ایقاع با عقد در این است که عقد یک توافق دو یا چند نفره است، ولی ایقاع نوعی عمل حقوقی است که فقط با اراده یک نفر انجام می‌شود.

شروط وابسته به عقد مد نظر بوده، و آنچه مور نظر نویسندگان قانون مدنی ما نبوده، شکل دوم یعنی شروط مستقل است (رهپیک، ۱۳۹۵: ص ۴۰).

شروط داوری الزام آور و از نوع شکل دوم است. اگرچه قواعد مربوط به شروط شکل اول و دوم (مستقل و وابسته) در بسیاری موارد با هم همپوشانی دارند، ولی التزامات شرط داوری به گونه‌ای است که به طور مستقل می‌تواند مورد توافق قرار بگیرد. همانطور که قبلاً اشاره شد، طرفین در شرط داوری متقابلاً متعهد می‌شوند که در اختلافات خود در خصوص قرارداد به داوری مراجعه کنند و این به معنای آن است که هر دو طرف هم مشروط‌علیه و هم مشروط‌له خواهند بود (زارع، ۱۳۹۷: ص ۴۵۵).

در واقع، در تعریف داوری می‌توان گفت به فرآیندی اطلاق می‌شود که در آن اختلاف میان طرفین در خارج از دادگاه بوسیله شخص ثالث بی‌طرف و منتخب طرفین حل می‌شود. از لحاظ مفهومی، شرط داوری در قراردادها در واقع یک تعهد و التزام است. التزام به اینکه چنانچه در آینده راجع به اصل قرارداد اختلافی پدید آید، طرفین متعهد می‌شوند آن را از طریق داوری حل و فصل نمایند. بنابراین، به طور خلاصه موضوع بند داوری در قراردادها عبارت است از تعهد به ارجاع اختلافات آتی به داوری، و خودداری از مراجعه به دادگاه جهت حل اختلاف. در نتیجه، تعریف شرط داوری با تعریف خود داوری یکسان نیست (سلیمی، ۱۳۹۶: ص ۷۷).

۵-۲. قلمرو و مقر داوری در توافق شرط ارجاع به داوری

همانطور که در بخش قبل توضیح داده شد، در ابتدا روش‌های مساعی جمیله، میانجی‌گری، و در مرحله بعد رایزنی جزء روش‌های کلاسیک هستند که در ترتیبات و مقررات غیرقضایی حل و فصل اختلافات مورد نظر در این نظام مطرح است.

رایزنی و یا مشورت از روش‌های با اهمیت و غیرقضایی دیگر حل و فصل اختلافات بین‌المللی است که در چارچوب نظام سازمان تجارت جهانی به آن تصریح شده که مقرر می‌دارد: روش کار به این صورت است که در صورت نقض حقوق کشور عضوی در چارچوب موافقتنامه‌های منضم به موافقتنامه تأسیس سازمان جهانی، لازم است ابتدا ضمن ارسال یک نسخه از تقاضا به رکن حل اختلاف، از کشور عضوی که قرار است مورد شکایت قرار گیرد، به صورت کتبی تقاضای رایزنی کند. در این صورت است که طرف عضو سازمان تجارت جهانی ملزم است ظرف ۱۰ روز از زمان درخواست رایزنی پاسخ مثبت دهد و به مدت یک ماه با دولت متقاضی رایزنی، با حسن نیت مشاوره نماید. مدت زمان رایزنی در کالاهای فاسد شدنی ۲۰ روز است، مگر اینکه دو طرف بخواهند حداکثر ۶۰ روز باشد؛ و در غیر کالاهای فاسد شدنی به مدت ۶۰ روز است. در انجام رایزنی در

صورتی که طرف مقابل ظرف ۱۰ روز پاسخ مثبت ندهد و یا ظرف ۳۰ روز با دولت متقاضی مشورت نکند، و یا به توافق نرسند، به شکل دیگری با توجه به ترتیبات مقرر شده در تفاهم‌نامه، اختلافات مطرح شده با تقاضای دولت مدعی، به رکن حل اختلاف جهت تشکیل هیأت رسیدگی ارجاع خواهد شد (نغمه‌پور، ۱۳۹۸: ص ۵). داوری بین‌المللی به طرفین اجازه می‌دهد که خود را از سیستم قضایی محلی خارج کرده و اختلافشان را جهت حل و فصل به مرجعی بی‌طرف واگذار کنند. داوری با توافق طرفین در قالب اشکال مختلف آغاز می‌شود. توافق ممکن است در زمان تنظیم قرارداد به شکل شرط داوری یا در قالب موافقتنامه داوری انجام شود. علاوه بر این، طرفین می‌توانند در زمان بروز اختلاف نیز در خصوص ارجاع اختلاف به داوری توافق کنند. تنظیم شرط یا موافقتنامه داوری نیاز به دقت و توجه فراوان دارد. در واقع این شرط به منزله قانون خصوصی است که بر اختلافات و منازعات طرفین در خصوص موضوع قرارداد اصلی حاکم است. تصمیمات روند داوری، بر هزینه حل و فصل اختلافات و نهایی بودن رأی داوری اثر می‌گذارد (Ball, 1993: p. 2944).

۵-۲-۱. توافق ارجاع اختلاف به داوری

هنگامی که طرفین قرارداد، بدون هرگونه ابهامی توافق کرده باشند که اختلافات در روابطشان را از طریق داوری حل و فصل کنند، طیف وسیعی از نظام‌های حقوقی پیشرفته به این توافق احترام خواهند گذاشت. شرط حل و فصل اختلافات قراردادی از طریق داوری باید متضمن بیان صریح طرفین جهت حل و فصل اختلافات فی‌مابین از طریق داوری باشد. از آنجا که توافق حل و فصل اختلاف از طریق داوری به عنوان سنگ‌بنای داوری محسوب شده و داوران نیز صلاحیت خود را از این توافق کسب می‌کنند، شرط داوری باید با صراحت و حداقل ابهام به این موضوع دلالت کند. طرفین با تنظیم شرط یا موافقتنامه داوری، عدم تمایل خود را مبنی بر ارجاع اختلاف به دادگاه‌های محلی بیان می‌کنند. موافقتنامه ارجاع اختلاف به داوری مقرر می‌کند که هرگونه اختلاف یا ادعای ناشی یا مرتبط با قرارداد، در نهایت باید توسط داوری حل و فصل شود.

۵-۲-۲. قلمرو شرط داوری

قلمرو شرط داوری با رضایت طرفین تعیین می‌شود. بنابراین، طرفین می‌توانند شرط داوری را به صورت موسع مضیق منعقد کنند. ضروری است هنگام تنظیم شرط داوری، طرفین در خصوص شمول شرط داوری بر تمامی جنبه‌های مرتبط با قرارداد یا جنبه‌های خاصی از رابطه قراردادی‌شان تصمیم‌گیری کنند. در صورت فقدان ملاحظات خاص برای تنظیم شرط مضیق، شرط موسع مرجح است. در تنظیم این شرط برای شناسایی ارتباط بین اختلاف و قرارداد از عباراتی مثل «حاصل از»، «ناشی از»، «در ارتباط با» یا «مرتبط با» و...

استفاده می‌شود. ممکن است عبارات گسترده‌تر امکان رسیدگی به موافقتنامه‌های جنبی مرتبط با قرارداد اصلی را نیز برای مرجع داوری فراهم کند. عبارات مضیق منجر به خارج شدن برخی اختلافات از قلمرو داوری می‌شود. مثلاً اختلاف مسئولیت مدنی یا سایر شروط غیر قراردادی در حیطه داوری قرار نگرفته و با شرط داوری پوشش داده نمی‌شوند.^۱

این موضوع باعث خواهد شد که طرفین از یک‌سو در روند داوری شرکت کرده و از سوی دیگر به مراجع قضایی مراجعه کنند. بنابراین، شرط داوری باید به نحوی تنظیم شود که از طریق آن اختلافات ناشی از قرارداد، مشتمل بر هر موضوعی مرتبط با وجود، اعتبار یا خاتمه قرارداد پوشش داده شود. این موضوع به طرفین کمک می‌کند که به تمامی اختلافات فی‌مابین و ادعاهای متقابل در یک داوری رسیدگی شود. مقررات داوری آنسیترال، انجمن داوری آمریکا، اتاق بازرگانی بین‌المللی، دادگاه داوری بین‌المللی لندن متضمن شروط داوری موسع هستند. این قواعد جنبه‌های مختلف قراردادها از قبیل اجرا، اعتبار و نقض را پوشش می‌دهند. اگر طرفین تصمیم داشته باشند تنها اختلافات مشخصی را به داوری ارجاع دهند، باید قصد خود را مبنی بر محدود کردن قلمرو موافقتنامه به اختلافات مشخص بیان کنند. ابهام شرط داوری منجر به ایجاد اختلاف بین طرفین در خصوص قلمرو داوری و در نتیجه ایجاد اختلال در روند داوری خواهد شد (Paulsson, 1998).

۵-۲-۳. مقر داوری

انتخاب محل یا مقر داوری از موضوعات اساسی در تنظیم شرط داوری است. مقر داوری می‌تواند بر قانون حاکم بر داوری اثرگذار باشد. به عنوان قاعده‌ای کلی، قانون مقر داوری، چارچوب شناسایی و اجرای موافقتنامه و آراء داوری بوده و در اغلب کشورها مقر داوری تابعیت رأی را تعیین می‌کند و با اجرای رأی ارتباط مستقیم دارد. بنابراین، هنگام تنظیم شرط، طرفین باید قوانین مقر را که در داوری مؤثر بوده، بررسی کنند. تأثیر مقر داوری نباید دست‌کم گرفته شود؛ زیرا داوری نمی‌تواند در خلأ انجام شود (Hunter, 1982: p. 214). بهتر است داوری در کشوری بی‌طرف که نظام حقوقی تکامل یافته‌ای دارد، برگزار شود. کشوری که دادگاه‌های آن اختیارات موسعی برای دخالت در روند رسیدگی دارند، نباید به عنوان مقر داوری انتخاب شوند. رایج‌ترین محل‌های داوری، قوانین داوری پیشرفته‌ای داشته و دادگاه‌های آنها در مسائل داوری تجربه بین‌المللی دارند. علاوه بر این موارد، عوامل غیرحقوقی مانند وجود امکانات حمل و نقل، اسکان، امکانات

1. See Working Group on the ICC Standard Arbitration Clause (Final Report of 3 March 1992, Doc Nil Ilo 420318/).

ارتباطی و... در انتخاب مقر داوری تأثیرگذارند.

از جمله مهم‌ترین نکات در انتخاب مقر داوری، عضویت کشور مقر داوری در کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص شناسایی و اجرای آراء داوری بین‌المللی است که به عنوان کنوانسیون نیویورک شناخته می‌شود. این کنوانسیون با ۱۵۴ عضو، اجرای آراء داوری را تضمین کرده است. کنوانسیون نیویورک چارچوبی برای دادگاه‌های ملی کشورهای عضو فراهم می‌کند تا موافقتنامه و آراء داوری را بررسی، شناسایی و اجرا کنند؛ مگر اینکه شرط داوری باطل یا غیرقابل اجرا باشد، یا اینکه رأی داوری صادره، از محدودیت‌های مندرج در کنوانسیون متأثر باشد. به دلایل حقوقی یا عملی از قبیل وجود مدارک و ادله استنادی یا حضور شهود در کشور دیگر ممکن است استماع در مقر داوری انجام نشود. در این مورد باید مقر داوری از محل استماع دعوا متمایز شود. بنابراین، طرفین می‌توانند توافق کنند که استماع در کشوری غیر از مقر داوری برگزار گردد (Poudret & Besson, 2007).

در بررسی مقر داوری باید بین موضوع ابطال رأی داوری و اجرا یا عدم اجرای رأی داوری تمایز قائل شد. تنها دادگاه‌های صالح مقر داوری می‌توانند اقدام به ابطال رأی کنند. با وجود این، طرف مقابل می‌تواند تقاضای اجرای رأی داوری را ارائه کند. قانون مقر داوری و قانونی آئینی منتخب طرفین می‌توانند به موضوع ابطال رأی بپردازند. سایر قوانین تنها صلاحیت فرعی تعیین قابلیت اجرایی رأی در قلمرو خود را دارند. بر مبنای این اصل کنوانسیون نیویورک محدودیت‌های اساسی و زمینه‌هایی را بیان کرده که طبق آن دادگاه‌های اعضای متعهد می‌توانند از شناسایی و اجرای آراء تحت کنوانسیون خودداری کنند (ماده ۵). بطلان رأی توسط کشور مقر داوری یا کشوری که قانون آن بر داوری حاکم بوده، از جمله مواردی است که دادگاه‌ها قادرند رأی خارجی را اجرا نکنند. این موضوع لزوماً به معنای عدم اجرای رأی در سایر کشورها نیست. دادگاه‌های بسیاری از کشورها آراء داوری را که در مقر داوری باطل شده‌اند، شناسایی و اجرا کرده‌اند.

مسئله شرط داوری و انتقال آن در حقوق تجارت از مواردی است که همواره مورد نظر طرفین معامله تجاری بوده و بر آن صحه گذاشته‌اند. در واقع، شرط انتقال داوری در زمره شروط معین در داوری بوده و بر آن صحه گذاشته شده و موجب می‌شود که اشخاص حقوقی خصوصاً شرکت‌ها که دارای تابعیت غیرکشور میزبان هستند، در انجام آن رقبت نشان دهند.

۶. شرط داوری و پیامدهای سیاسی آن برای جمهوری اسلامی ایران

ایجاد شرط داوری در قراردادهای تجاری بین‌المللی ایران با بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی و کشورهای

مختلف، پیامدهای بسیار مثبتی در سطوح مختلف سیاسی و اقتصادی برای جمهوری اسلامی خواهد داشت که در ادامه به برخی از این پیامدها اشاره می‌شود.

الف) ترغیب کشورها و شرکت‌های بین‌المللی برای سرمایه‌گذاری در ایران

وجود شرط داوری در اختلافات بین‌المللی ایران باعث ترغیب شرکت‌های بین‌المللی و کشورها برای سرمایه‌گذاری خارجی در ایران می‌شود؛ زیرا در صورت اختلاف با دولت جمهوری اسلامی ایران، اطمینان دارند که مرجع بی‌طرف بین‌المللی به اختلاف آنها رسیدگی منصفانه و عادلانه خواهد کرد. بنابراین، از سرمایه‌گذاری خود پشیمان نخواهند شد. به همین دلیل شرط داوری بین‌المللی مشوقی برای سرمایه‌گذاران خواهد بود.

ب) ایجاد اعتبار و اعتماد به جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی

وجود شرط داوری در اختلافات بین‌المللی ایران منجر به شکل‌گیری مقوله اعتماد بین کشورهای منطقه و نظام بین‌الملل به ایران می‌شود، که این موضوع به گسترش تجارت خارجی ایران در سطح نظام بین‌الملل منجر خواهد شد. به شرطی که محاکم قضایی داخلی رأی داوری بین‌المللی را بپذیرند، در این صورت ضمن افزایش اعتبار کشور ایران در مرادوات تجاری بین‌المللی، زمینه‌ساز حل اختلافات اساسی با سایر کشورها در تمام زمینه‌ها خواهد شد.

ج) تنش‌زدایی در روابط با سایر کشورها و شرکت‌های بین‌المللی

وجود شرط داوری در اختلافات بین ایران و سایر کشورها و فعالان اقتصادی منجر به سرعت رسیدگی به اختلافات طرفین و کاهش هزینه‌ها خواهد شد و این موضوع تنش ایجاد شده بین طرفین را از بین خواهد برد؛ زیرا وجود اصل تناظر در داوری بین‌المللی صدور رأی عادلانه و منصفانه‌ای را در پی خواهد داشت و تمکین از این رأی ضمن رفع کدورت بین طرفین زمینه‌ساز همکاری‌های بیشتر را مهیا خواهد کرد.

۷. نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در خصوص قراردادهای تجاری داخلی و بین‌المللی قابل طرح است، بحث حل و فصل اختلافات می‌باشد که در بسیاری از موارد با غفلت و بی‌توجهی طرفین قرارداد مواجه می‌شود. بسیار رخ می‌دهد که طرفین توافق دستیابی به روشی برای حل و فصل را به زمان حدوث اختلاف موکول می‌کنند و بدیهی است که در زمان حدوث اختلاف، میزان تفاهم و اعتماد متقابل میان طرف‌های قرارداد به اندازه‌ای نیست که حصول توافق در این زمینه را میسر سازد. بنابراین، با سکوت در مورد روش حل و فصل

اختلاف در قرارداد و عدم حصول توافق دیگر پس از بروز اختلاف، طرفین ناگزیر از مراجعه به دادگاه‌ها می‌شوند. این در حالی است که در بسیاری از موارد حل و فصل اختلافات از راه‌های غیر از مراجعه به محاکم قضایی، بسیار کارآمدتر به‌شمار می‌رود. یکی از مهم‌ترین این راه‌ها توافق بر داوری برای حل و فصل اختلافات می‌باشد که به ویژه در قراردادهای تجاری بین‌المللی رواج و اهمیت خاصی دارد. سرعت، تخصص و نیز هزینه مناسب‌تر از جمله مزایای توافق به داوری در مقابل رجوع به محاکم برای حل و فصل اختلافات می‌باشد. از طرفی، ایجاد شرط داوری در قراردادهای تجاری بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها، دارای پیامدهای سیاسی مانند افزایش سرمایه‌گذاری و ترغیب سرمایه‌گذاران بین‌المللی برای سرمایه‌گذاری در ایران خواهد شد و از سوی دیگر، اعتبار جمهوری اسلامی ایران در بین کشورهای نظام بین‌الملل ارتقاء پیدا خواهد کرد و منجر به ایجاد اعتماد بیشتر به ایران خواهد شد. در نهایت، شرط داوری در قراردادهای تجاری بین‌المللی ایران منجر به تنش‌زدایی در اختلافات و منازعات بین ایران و سایر کشورها خواهد شد.

منابع

- اسکینی، ربیعا (۱۳۶۸). تعارض قوانین در داوری‌های تجاری بین‌المللی. *حقوقی بین‌المللی*، شماره ۱۱.
- انصاری، مرتضی (۱۳۹۲). مکاسب. توضیح و تعلیق آیت الله پایانی؛ ترجمه محمد مسعود عباسی. قم: انتشارات دارالعلم.
- پیرزاده، محمدحسن (۱۳۸۷). *شناسایی و اجرای احکام صادره از دادگاه‌های بیگانه از دیدگاه نظام حقوق ایران*. تهران: انتشارات بهنامی.
- جنیدی، لعیا (۱۳۸۰). قانون داوری تجاری بین‌المللی از دریچه حقوق اسلامی. *پژوهشنامه متین*، شماره ۱۰.
- جوادیپور، نغمه (۱۳۸۸). حل و فصل اختلافات قراردادهای تجاری بین‌المللی از طریق میانجی‌گری داوری با تأکید بر نظام حقوقی ایران. *پژوهش حقوق خصوصی*، ۸(۹۹).
- جواهری، فریما (۱۳۹۷). *شناسایی و اجرای رأی داوری آنلاین*. در: اولین همایش حقوقی کنفرانس دانشگاه شیراز.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۹). *فرهنگ لغت فارسی*. تهران: انتشارات فرهنگ.
- راستاد، مجتبی (۱۳۸۷). بررسی اصول رسیدگی عادلانه در داوری تجاری بین‌المللی و پیامدهای آن. *حقوق خصوصی*، شماره ۱۲۸.
- ره‌پیک، حسن (۱۳۹۵). *حقوق مدنی پیشرفته، مباحث تحلیلی شروط ضمن عقد*. تهران: خرسندی.
- زارع، مهدی (۱۳۹۴). مقدمه‌ای بر داوری در دعاوی تجاری بین‌المللی. *پژوهش‌های حقوق خصوصی و کیفری*، شماره ۲۶.
- زارع، مهدی (۱۳۹۷). ماهیت حقوقی و استقلال شرط داوری از قرارداد اصلی از منظر رویه قضایی. *مطالعات حقوق خصوصی*، ۴۸(۳).
- سلیمی، محسن (۱۳۹۶). ماهیت حقوقی شرط داوری. *تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، شماره ۳۳.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۷). *آیین دادرسی مدنی پیشرفته*. تهران: دراک.
- صدرزاده افشار، سید محمدحسین (۱۳۸۵). *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- لیو، جولیان دی. ام. (۱۳۸۸). تحقق رؤیا: داوری خودآیین. ترجمه فیض‌اله جعفری. *حقوق بین‌المللی*، ۲۶(۴۰): ص ۱۶۳-۱۹۳.
- لیو، جولیان دی. ام. (۱۳۹۱). *داوری تجاری بین‌المللی تطبیقی*. ترجمه محمد حبیبی مجنده. قم: انتشارات مفید.
- متین دفتری، احمد (۱۳۸۸). *آیین دادرسی مدنی بازرگانی*. تهران: مجد.
- محبی، محسن (۱۳۷۸). نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی. *حقوقی بین‌المللی*، شماره ۲۴.
- نغمه‌پور، جواد (۱۳۹۸). حل و فصل اختلافات قراردادهای تجاری بین‌المللی از طریق میانجی‌گری، داوری با تأکید بر نظام حقوقی ایران. *پژوهش حقوق خصوصی*، ۸(۹۲).
- نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۸۸). *داوری تجاری بین‌المللی*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- Ball, M. (1993). Just Do It: Drafting the Arbitration Clause in an International Agreement. *Journal of International Arbitration*, 10(4): p. 29-44. <https://doi.org/10.54648/joia1993027>
- Hunter, M. (1982). Achievements of the Intention of the Parties: Arbitration Agreements and the First Procedural Steps in International Arbitration. *Arbitration: The International Journal of Arbitration*,

Mediation and Dispute Management, 47(3), p. 213-220.

Paulsson, J. (1998). Enforcing Arbitral Awards Notwithstanding a Local Standard Annulment (LSA).

ICC International Court of Arbitration Bulletin, 9(1).

Poudret, J. & Besson S. (2007). *Comparative Law of International Arbitration*. Trans. S. Berti & N. Ponti.

Thomson - Sweet & Maxwell.